۱۱۴

سلسله درسهای عرفانی

هُوَ ۱۲۱

گزیده‌هایی از بیانات حضرت آقای حاج دکتر نورعلی تابنده (مجذوب علیشاه)

بِسْمِ اللهِ الرَّحْمنِ الرَّحیم.

تولّد هر یک از امامان، بزرگواران و حتّی انبیای سلف، دری است که به روی خلق باز شده.

تو از هر در که باز آیی بدین خوبی و رعنایی
دری باشد که از رحمت به روی خلق بگشایی

خداوند در هر قدمی که ما برمی‌داریم و مقرّر فرموده است، پندی و نصیحتی و دستورالعملی برای بندگانش دارد. در این مورد دستور می‌فرماید و می‌گوید: در آن سخت‌ترین ایّام، ناامید نشوید.

ای که مأیوس از همه رویی(کویی)، به سوی عشق رو کن
کعبه‌ی دل‌هاست آنجا، هر چه خواهی آرزو کن

(برگرفته از گفتارهای عرفانی، صبح شنبه ، تاریخ ۱۳۹۴/۳/۱۳، مطابق با ۱۵ شعبان ۱۴۳۶، میلاد حضرت حجّت عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف، جلسه برادران ایمانی)

*****

متأسّفانه بسیاری از فقرا و حتّی مشایخ، حرف‌های من را توجّه نفرمودند و به‌هم‌ریختگی‌ای که ما، در جامعه داریم، جلوه‌ای از به‌هم‌ریختگیِ اینهاست.

خداوند ان‌شاءالله به ما تفضّل کند، ما به خودمان رحم کنیم تا خداوند هم به ما رحم کند، ان‌شاءالله. (برگرفته از گفتارهای عرفانی، صبح جمعه، تاریخ ۱۳۹۴/۳/۸، جلسه برادران ایمانی)

*****

الهی تو آنی توانی تپانی دو عالم به قدرت ته استکانی

برای خالق، برای آن کسی که آفریده، اصلاً زمان معنی ندارد. ما امروز و فردا داریم ولی اگر همیشگی باشد، دیگر امروز، فردا ندارد. البتّه در مقابل اینکه می‌بینیم یا می‌خوانیم که مثلاً فلان‌کس، فلان عارف وقتی به اینجا می‌رسید، می‌لرزید. فکرش می‌آمد می‌دید من چنین ذرّه‌ی ناچیزی که خدا آفریده که خودمان می‌دانیم چقدر ضعیفیم، چقدر در مقابل نیروهایی که در دنیا هست و آفریده شده، ما ضعیفیم، قدرت نداریم. ماییم در مقابل این عظمت خدا. خیلی‌ها همین‌طوری عظمت را می‌گویند، می‌دانند ولی درک نمی‌کنند. به هر

اندازه این عظمت الهی را بیشتر درک کند، بیشتر تحیّرش و گاهی هیبتش و ترسش برقرار می‌شود، یا گاهی محبّتش برقرار می‌شود.

در آیات قرآن دارد: وقتی خداوند به موسی علیه‌السلام دستوراتی داد و وحی کرد، موسی گفت: مردم من را دوست ندارند، من را نمی‌شناسند خدا فرمود: وَأَلْقَيْتُ عَلَيْكَ مَحَبَّةً مِنِّي (سوره طه، آیه ۳۹)، از طرف خودم محبّت به تو می‌دهم یعنی هر که می‌بینی، به تو محبّت دارد. کما اینکه تو به همه محبّت داری وَأَلْقَيْتُ عَلَيْكَ مَحَبَّةً مِنِّي. بله، خلاصه هیبت، ترس، محبّت، همه‌ی اینها از خالقِ این مجموعه داده می‌شود، این بشر یک مجموعه‌ای است. (برگرفته از گفتارهای عرفانی، صبح یک‌شنبه، تاریخ ۱۳۹۴/۳/۱۰)

*****

در *تذکرة‌الاولیاء* که داستان‌های فقری را می‌نویسد، یکی از بزرگان به شهری آمد، همه از زن و مرد به زیارتِ او می‌آمدند. یک زن بدنامی هم به دیدن شیخ آمد. بعد از زیارت می‌خواست بگوید که ذکری به من بگو یا قبول کن، که شیخ تا او را دید گفت: ای فاحشه برو. فاحشه در لغت عربی یعنی کار زشت. این به احترام حرف شیخ چون جمعیت هم زیاد بود، رفت. آن شیخ بعد از یکی، دو سال سفر دیگری به همان شهر آمد و شنید که اینجا یک زنی است که به مستجاب‌الدعوه مشهور است خیلی هم مقدّس، شیخ گفت بروم او را ببینم. آمد ببیند دید این همان زن است که بیرون کرد و گفته بود: ای فاحشه برو! تعجّب کرد، از او پرسید: تو از چه به این مقامات رسیدی؟ گفت: از همان ذکری که به من دادی. گفت: چه ذکری؟ گفت: من که آمدم ذکری خواستم، گفتی ای فاحشه برو! من همین را می‌گفتم: ای فاحشه برو، ای فاحشه برو. این به‌عنوان ذکرم بود فاحشه یعنی کار بد، ای کار بد برو!

این نشانه‌ی این است که اگر بر زبان شیخ هم طور دیگری برخورد کرد، همان اثر را دارد. اثر در معناست نه در کلام. حالا یکی نوشته: می‌خواهم بیایم ببینم شیخم که ذکر داده، درست داده یا اشتباه؟ این اصلاً نیاید، ذکر نمی‌خواهد. شیخ یعنی چه؟ شیخی که من اجازه دادم یعنی هر چه می‌گوید، من گفتم در درویشی. اثر در دعاست. در دعا، نه در حرف.

با بچّه‌ی کوچک که حرف می‌زنند، بازی می‌کنند، گاهی مسخره‌اش می‌کنند، یک فحش‌هایی یادش می‌دهند، این فحش می‌دهد، قه‌قه می‌خندند. اثر در آن دلی است که این حرف را می‌زند وإلّا حرف‌ها یک موج هواست. ممکن است من برای سلام کردن، برای احوال‌پرسی یک موج خاصّی را، یک موجی را با صدا ایجاد می‌کنم ولی یک نفر دیگر، یک نفر غیرمسلمان و حتّی یک نفری غیر از این کلام بخواهد همان مطلب را بگوید، به یک موج دیگری، یک‌طور دیگر می‌گوید ولی هر دوی اینها در آن دستگاهی که باید قبول بشود یا رد

بشود، هر دو یک‌طور است. اینها همه به دل برمی‌گردد. اساس عرفان و درویشی هم بر دل است و بر نیّت واقعی‌ای که دل انجام می‌دهد.

البتّه به همین دلیل مثلاً برای ما یک دعاهایی که فرض کنید حضرت مسیح به زبان خودشان فرمودند، برای ما هیچ اثر ندارد. هیچ نه، یک کمی به‌عنوان تبرّک اثر دارد. مثل فرض کنید یک سماور قدیمی که اگر بخواهند قیمت کنند، غیر از آن در سمساری می‌گویند پنج تومان، شش تومان، هیچ قیمتی ندارد ولی گرد و خاکِ همان سماور را می‌گیرند، می‌گذارند بالای طاقچه هر کس می‌آید معرفی می‌کند که این سماوری است که مثلاً ابولؤلؤ در آن چای می‌خورده. دعاهایی هم که به زبان فقط گفته بشود، مثل این اثر دارد. قیمت دارد چون یک بزرگی آنطور حرف زده ولی آن اثر را که باید دعای ما داشته باشد، ندارد.

بنابراین وقتی دعا می‌خوانید، عبارت را درست بگویید برای اینکه هر وقتِ دیگر هم که آن عبارت را درست بگویید، همان آثار در دل‌تان ایجاد می‌شود. داستانی در *مثنوی* دارد، جبرئیل دید شبی (البتّه برای جبرئیل یعنی برای خداوند و دستگاهش شب و روز ندارد ولی برای اینکه ما بفهمیم) خداوند می‌گوید: لبیک! لبیک! لبیک یعنی جانم، بله! یک جواب بله‌ای است با مهربانی. از او پرسید: خدایا! در این وقت شب که همه‌ی جاها را تاریکی گرفته چه کسی تو را صدا می‌زند که تو می‌گویی لبیک؟ گفت: یک شخصی است در فلان‌جا من را صدا می‌زند. این جبرئیل آمد همه جای شهر را گشت دید هیچکس نیست که خدا خدا بگوید. برگشت گفت که: خدایا! من گشتم هیچکس نبود. خدا نشانیِ دقیق به او داد. آدرس داد که فلان کوچه، شماره‌ی فلان. این برگشت و دید که یک نفری، یک زنی نشسته بُتش را جلویش گذاشته و با آن بت دعا می‌کند، مناجات می‌کند. برگشت به خداوند عرض کرد: کسی تو را صدا نمی‌زد، آنجا او داشت با بت خودش مناجات می‌کرد، بت‌پرست بود. خدا فرمود: نه! او دلش من را می‌خواهد، من را صدا می‌زند، اسمم را غلط می‌گوید.

بنابراین دل‌تان با خدا باشد اگر عبارتِ غلط هم خواندید، گناه ندارد به شرط اینکه دل‌تان با خدا باشد، غلط عمدی نداشته باشید. تمام سهوِیّات، خطاهای غیر عمدی را هم خداوند ندیده می‌گیرد. این برای این است که خداوند معنا یعنی آنچه در دل داریم در نظر می‌گیرد، نه آنچه بر زبان می‌آوریم. ان‌شاءالله خداوند ما را به راه خودش بدارد به هر نحوی که می‌داند. (برگرفته از گفتارهای عرفانی، صبح چهارشنبه، تاریخ ۱۳۹۴/۳/۲۰)

*****

می‌فرماید: ای کسانی که به شریعت، ایمان آوردید به طریقت ایمان بیاورید، که

اینهاست؛ خدا و رسولش و... وقتی شریعت و طریقت جدا شد، اینهایی که این تفاوت معنی را نمی‌دانند، یا می‌دانند و نمی‌خواهند بدانند، اینها مجموعه‌ی اسلام را مال خودشان می‌دانند، مرکبی می‌دانند که سوار بشوند و بروند به مقصد برسند. اینها البتّه تصدیق نمی‌کنند که یک وظایف و یک چیز دیگری هم دارند. می‌گویند هر چه هست، ماییم.

این اصل اختلاف بین شریعت و طریقت است که در همه‌ی ادیان بوده است.

طریقت و شریعت به روی هم شمشیر نمی‌کشد، شمشیرش کار نمی‌کند. آن کاری که خدا برایش گذاشته، نمی‌کند و مثال‌های زیادی در قرآن نشان‌دهنده‌ی وظیفه‌ی شریعتی و طریقتی است. این از لحاظ رهبری که بعد از پیغمبر رهبری یک گروهی با علی علیه‌السلام بود ولی رهبری گروه دیگری با علی نبود، با هر که بود، علی پشت سرش نماز خواند. علی دیگر تسلیم شده بود، علی که نه زبانش از کار افتاده بود (*نهج‌البلاغه* هست الان، این از اوّل هم بود) نه شمشیرش از کار افتاده بود. هیچی نمی‌گفت ولی فاطمه علیهاالسلام همان درجات را داشت، امّا ناراحت بود. بس که خودش ناراحتی‌اش ابراز می‌شد، چیزی نمی‌گفت، ایرادی بر علی نه ولی ناراحتی‌اش ابراز می‌شد که به علی عرض کرد: تو که شمشیرت زنگ نزده که علی مجبور شد به لحاظ همان شریعت، بر فاطمه ثابت کند و آن کار را کرد.

حالا این جریان اوایل اسلام، همیشه زنده است، در تاریخ اسلام اقلّاً می‌شود گفت همیشه زنده است، همیشه بوده است.

ما اگر در تاریخ اوّلیه‌ی اسلام دقّت بکنیم، بیشتر اوضاع جهان را بهتر می‌توانیم درک کنیم، ان‌شاءالله. (برگرفته از گفتارهای عرفانی، صبح پنج‌شنبه، تاریخ ۱۳۹۴/۵/۱)

بیانات حضرت آقای حاج دکتر نورعلی تابنده (مجذوب علیشاه) شامل: *جزوات گفتارهای عرفانی/ شرح رساله شریفه پندصالح/ شرح فرمایشات حضرت سجاد علیه‌السلام (شرح رساله حقوق)/ شرح فرمایشات حضرت صادق علیه‌السلام (تفسیر مصباح‌الشریعة و مفتاح‌الحقیقة)/ جزوات موضوعی (درباره‌ی استخاره، خانواده، حقوق مالی و عشریه، دعا، خواب و رویا، بیماری و شفا، روح، شیطان، آداب حضور در مجلس فقری، امربه‌معروف و نهی‌ازمنکر)/ جزوات رفع شبهات با گزیده‌هایی از بیانات/ جزوات پرسش و پاسخ با گزیده‌هایی از بیانات/ مکاتیب عرفانی (مجموعه‌ی پاسخ به نامه‌ها)/ مجموعه دستورالعمل‌ها و بیانیه‌ها/ شرح و تفسیر برخی از آیات قرآن کریم/ گفت‌وگوهای عرفانی (مجموعه‌ی مصاحبه‌ها)* منتشر شده است.

جهت سفارش و دریافت جزوات از طریق شماره تلفن ۰۹۱۲ ۵۸۳ ۸۲۴۲ و یا سایت WWW.JOZVEH121.COM اقدام فرمایید. همچنین برای دریافت گزیده‌هایی از بیانات می‌توانید به کانال jozveh121@ در برنامه تلگرام بپیوندید.